

## روزنامه خاور و نقش آن در کمیته ملیون برلن

محمد مهدی مشهوری

جنگ جهانی اول اگر چه در اروپا اتفاق افتاد اما دامنه آن بسرعت به کشورهای دیگر نیز سرایت کرد. در این زمان ایران از لحاظ سیاسی یکی از دشوارترین مراحل تاریخ معاصر خود را تجربه می‌کرد. تحولات ناشی از تفاهم روس و انگلیس در پی قرارداد ۱۹۰۷ م برای تقسیم ایران، از استقلال ایران جز یک تصوّر کمرنگ چیز دیگری باقی نگذاشته بود.

در یک چنین شرایط طبیعی بود که بروز جنگ بین قدرتهای بزرگ که از یک طرف روس و انگلیس و متفقین آنها و در طرف دیگر آلمان و متحدانش بودند، ایران را برای بهره‌برداری از این موقعیت امیدوار کند. مردم ایران که از سالیان دراز گرفتار تجاوزات و اعمال قدرت روس و انگلیس در خاک خود بودند، در این زمان واکنش‌هایی بر ضد آنها انجام دادند. این واکنشها در قالب فکری و عملی خود، منجر به مبارزات مسلحانه مجاهدین، ایلات و عشایر، مهاجرت نخبگان سیاسی طرفدار آلمان از تهران و تشکیل دولت موقت و صدور فتوایهای جهاد از سوی مراجع و علمای داخل و خارج کشور بر ضد روس و انگلیس شد.

در کنار واکنشهای ایرانیان داخل کشور، گروهی از روشنفکران و انقلابیون ایرانی که خارج از کشور زندگی می‌کردند اقداماتی بر ضد متفقین انجام دادند. این افراد که در برلین مجتمع و کمیته‌ای با نام «کمیته ملیون برلن» تشکیل داده بودند، اقدام به اعزام هیئت‌هایی به ایران و عثمانی برای تبلیغاتی به نفع آلمان کردند و سعی داشتند که ایران را از بی‌طرفی درآورده و به نفع متحدین وارد جنگ کنند. سید حسن تقی‌زاده که ریاست این کمیته را بر عهده داشت پس از استقرار در برلن اقدام به جمع‌آوری روشنفکران و انقلابیون ایرانی مقیم اروپا و ممالک عثمانی کرد.

این کمیته ابتدا با حضور تقی‌زاده و رضا تربیت و عزت الله هدایت پسر صنیع الدوله که در آلمان تحصیل می‌کرد، تشکیل شد و سپس کاظم‌زاده ایرانشهر از کمبریج، پورداود و قزوینی و اشرف‌زاده از پاریس،

جمالزاده، راوندی و سعدالله‌خان درویش از سویس به برلن آمده و با کمیته برلن همکاری کردند.<sup>۱</sup> از استانبول نیز یاران قدیمی تقی‌زاده در تبریز که پس از تجاوزات روسها در سال ۱۳۳۰ق به استانبول آمده بودند، به برلن آمدند. این افراد از جمله یکانی، نوبری، امیرخیزی، ناله ملت و محمود غنی‌زاده بودند که به دعوت تقی‌زاده به برلن آمدند. پس از جمع‌آوری افراد، کمیته تصمیم گرفت که برای تبلیغات به نفع متحدین افرادی را به بغداد و ایران اعزام کند. در پی این تصمیم مقصد افراد اعزامی بدین شرح تعیین شد: کاظم‌زاده و رضا افشار به تهران، اشرف‌زاده، علیقلی راوندی و سعدالله درویش به شیراز، جمالزاده، پورداد، نوبری، امیر خیزی، یکانی، و ناله ملت نیز مأمور بغداد شدند.<sup>۲</sup> اولین کسی که به حکم قواعد مأموریت خود را آغاز کرد محمدعلی جمالزاده بود که به موجب برنامه‌ای مخصوص فعالیت خود را آغاز کرد.<sup>۳</sup> او ابتدا به استانبول رفت و شعبه‌ای از کمیته را به همراهی ایرانیان مقیم استانبول تأسیس کرد و پس از انجام مأموریت روانه بغداد شد. کمیته برلن نیز برای حمایت از فعالیتهای وی پورداد، امیر خیزی و نوبری را به بغداد فرستاد.<sup>۴</sup> تاکنون در مورد فعالیت‌ها و اقدامات این هیئت‌ها در ایران و بغداد مطالب گوناگونی نوشته شده است. اما در مورد کمیته استانبول و اقدامات آن هیچ مطلب جامع و کاملی در منابع یافت نشده است. لذا در این مقاله سعی شده است که حتی‌الامکان با استفاده از آگاهیهای موجود، اقدامات این کمیته را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

با تشکیل کمیته ملیون برلن و جمع شدن ایرانیان انقلابی در آنجا، ایرانیان مقیم استانبول نیز با تأثیر از کمیته برلن، شعبه‌ای از آنرا در استانبول تشکیل دادند. اعضای اولیه کمیته عبارت بودند از سید محمد توفیق، میرزا رضا تربیت، سید حسن بیگ، حاج حسن قلی آقا، میرزا محمود غنی‌زاده و اسدالله احمدزاده.<sup>۵</sup> عامل اصلی تشکیل آن کمیته، نمایندگان کمیته هندی مقیم برلن بودند که در آن زمان در استانبول حضور داشتند و در ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ ق از وزارت خارجه آلمان تقاضا کردند که سید محمد توفیق ناشر روزنامه خاور را مأمور تشکیل آن کمیته در استانبول کنند.<sup>۶</sup> کمیته استانبول پس از تشکیل، در جلسه‌ای رویه و مسلک خود را چنین بیان می‌دارد:

«اعضای این کمیته اعلام می‌کنند که تمام هم خود را صرف رهایی وطنشان می‌کنند و پیمان می‌بندند که برنامه کمیته ملیون برلن را با اعتقادی راسخ و تا آنجا که شرایط مکانی آنرا ضروری بدانند، عملی نمایند و در این راه کلیه اختلافات خود را کنار بگذارند و اعضاء صرفنظر از نظریات مختلف، فعالیتهای خود را برای رسیدن به هدف مشترک هم آهنگ کنند.»<sup>۷</sup>

پس از تشکیل کمیته درخواست شد که حسین کاظم‌زاده برای ارائه پول و کار از برلن فرستاده شود ولی چون کاظم‌زاده قبلاً مأموریت یافته بود از طریق سوئد و روسیه به تهران برود، به جای او جمالزاده فرستاده شد. ایرانیان مقیم استانبول از ابتدای جنگ جهانی اول، موضعی آشکار بر ضد روس و انگلیس داشتند بطوریکه در همان ماههای اولیه جنگ یک اجتماع بزرگ از ایرانیان مقیم استانبول در یکی از میادین اصلی شهر جمع شده و بر ضد مظالم روس در آذربایجان و خراسان به تظاهرات پرداختند. این تظاهرات همراه با نطق چند نفر از بزرگان ایرانی از جمله اسماعیل یکانی برگزار شد. همچنین از طرف جمعیت شکایتنامه‌ای



علیه روس و انگلیس توسط سید محمد توفیق ناشر روزنامه «خاور» تنظیم و به سفارتخانه‌های آمریکا، آلمان، اتریش و ایتالیا تحویل داده شد.<sup>۸</sup>

از سوی انجمن‌ها، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی ایرانیان مقیم استانبول مقاله‌ها، بیاننامه‌ها و پروتست‌هایی به روزنامه «خاور» که ارگان کمیته استانبول بود، داده می‌شد تا به چاپ برساند. بنابراین می‌توان روزنامه خاور را تربیون کمیته ملیون برلین در جنگ جهانی اول محسوب کرد.

روزنامه خاور چاپ استانبول از همان ماه‌های اولیه جنگ جهانی یعنی قبل از تشکیل کمیته ملیون برلن شکل‌گیری یافت. دست اندرکاران آن همگی از ایرانیان مقیم استانبول بودند که از سالها قبل با انتشار جراید و مجلاتی سعی در آگاهی بخشی از مردم نسبت به مسائل و مشکلات داشتند. صاحب امتیاز این روزنامه سید حسن تبریزی و سردبیر و مدیر مسئول آن سید محمد توفیق است که هر دوی آنها روزنامه «شمس» را قبلاً در استانبول منتشر می‌کردند. و به یقین می‌توان گفت که روزنامه «خاور» ادامه «شمس» می‌باشد. این مدعی اینطور ثابت می‌شود که علاوه بر یکی بودن عوامل اجرایی آن از لحاظ اسلوب و صفحه‌بندی کاملاً یکی بوده و فقط عنوان روزنامه تغییر کرده یعنی از شمس به خاور مبدل گشته است. و یا در شماره اول خاور مقاله‌ای با عنوان «اسباب اجتماعی تنزل و ترقی ایران چگونه باید ترقی کند؟» با امضای «ح کاظم‌زاده» چاپ شده است که قسمت اول آن در آخرین شماره روزنامه شمس در تاریخ ۲۶ شعبان ۱۳۳۲ ق یعنی تقریباً ۲ ماه قبل از انتشار اولین شماره خاور در تاریخ ۲۳ شوال ۱۳۳۳ ق به چاپ رسیده است.

از «خاور» در منابع تاریخی اطلاعات زیادی موجود نیست. بطوریکه در تاریخ جراید و مجلات ایران نوشته محمد صدر هاشمی که یکی از معتبرترین منابع در مورد جراید و مجلات ایران است فقط از موجود بودن «خاور» آگاهی داده و به علت در دسترس نداشتن نسخه‌های آن هیچ اطلاع دیگری به ما نمی‌دهد.<sup>۹</sup>

خاوری که در دسترس ما هست مربوط به دو سال اول جنگ جهانی یعنی ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۳۴ ق می‌باشد. ولی گویا انتشار خاور محدود به این دو سال نبوده و تا سالهای بعد نیز منتشر شده زیرا در شماره ۲۳ سال سوم دوره قدیم کاوه به تاریخ ۱۰ صفر ۱۳۳۷ ق در مورد خاور صحبت شده و مقالاتی از آنرا به چاپ رسانیده است. به هر روی صحبت ما در مورد دو سال اول خاور می‌باشد. خاور روزنامه‌ایست هفتگی که شماره اول آن در ۲۳ شوال ۱۳۳۲ ق و آخرین شماره آن در ۱۱ شوال ۱۳۳۴ ق به طور مرتب هر هفته به چاپ می‌رسید به طوریکه ۴۸ شماره در سال اول و ۴۸ شماره در سال دوم منتشر کرد.

خاور روزنامه‌ایست وزین همراه با تصاویر بسیار جالب و چاپ خوب که نشان‌دهنده بهره‌مندی از بهترین دستگاه‌های چاپ آن روزگار می‌باشد. این برتری را می‌توان در مقایسه با روزنامه‌های هم‌عصر داخل ایران به خوبی مشاهده کرد. خاور از بخش‌های مختلفی تشکیل شده که مطالب خود را با توجه به آن منتشر می‌کرد. این قسمتها عبارتند از: یک مقاله در صفحه اول که بیشتر از افسادات روس و انگلیس و جوانمردیهای آلمان صحبت می‌کند و در اکثر مواقع منتهی به اندیشه اتحاد اسلام می‌شود. در صفحات بعدی خبرهایی از کشورهای اسلامی مانند: هند، افغانستان، قفقاز و ... چگونگی رویدادهای جنگ و انعکاس آن در کشورهای دیگر منتشر می‌کند.

یک ستون را به خبرهای ایران اختصاص داده است، که به شرح وقایع و رویدادهای جاری در ایران می‌پردازند. در اکثر شماره‌ها، خبرهایی از میدانهای جنگ آورده شده که آن هم به نوعی فقط شرح پیروزیهای آلمان و عثمانی است. این اخبار طوری با آب و تاب نوشته شده است که تصوّر نمی‌شود آلمان در نهایت شکست خورده باشد. یک ستون هم به اخبار داخلی عثمانی اختصاص داده که شرح وقایع و رویدادهای جاری در عثمانی است.

اکثر نویسندگان خاور همان روشنفکرانی بودند که بعداً در برلن جمع شدند و کمیته ملیون برلن را تشکیل دادند و بعد از آن نیز همکاری خود را با خاور قطع نکردند، از آن افراد می‌توان از کاظم‌زاده، پورداود، جمالزاده، ناله ملت و ... یاد کرد. مسلک و مرام روزنامه با توجه به محل انتشار آن جانبداری از متحدین یعنی آلمان و عثمانی و اتریش بوده است و تمامی مقالات آن بیان پیروزی‌های متحدین در میدان جنگ و شکست متفقین است.

لازم به یادآوریست که عثمانیها در جنگ جهانی اول برای متحد کردن کشورهای اسلامی با خود، شعار اتحاد اسلام را سردادند تا بتوانند در سایه آن به هدفهای خود که یکی از آنها حکومت بر کل مسلمین بود، برسند. روزنامه خاور را می‌توان یکی از مروجین این اندیشه یعنی اتحاد اسلام به شمار آورد. در اکثر مقالات از اتحاد اسلام صحبت کرده و پس از مروری بر مصیبت‌های کشورهای اسلامی در آخر یگانه راه نجات آنها را اتحاد مسلمین با هم می‌داند.

«... شکی نیست که این جنگ حالیه ائتلاف با دولت علیّه عثمانی آخرین کارزار است که نتیجه‌اش یا حیات و شرف ابدی و یا خدای ناکرده محو و تباهی است... چون در مقدرات دولت علیّه عثمانی تمام مسلمانان شریک و سهیم و بقا و غنای این دولت اسلامی موجب ترقی و تدعی عامه مسلمین است، شکی نیست که همه ائتلاف مثلث کمر بسته و موجودیت خودشان را ماده و معنای ابراز و حق حیثیتشان را در نظر خصمها اثبات خواهند کرد. این جنگ کنونی را نمی‌توان در عداد مسلمانان روی زمین اعلان خصومت و عداوت نموده خواهان تباهی و استقلال عالم اسلام می‌باشند. پس درینصورت از این معرکه و جدال که بنام دین و خدا و رسول بر پا شده است هیچ مسلمانی عقب ننشسته و روی برنخواهد تافت مگر که دست از حمیت و غیرت شسته مسلمانی را کنار بگذارند... بلی این حرب اسلام و صلیب است دعوی کفر و ایمان است...»<sup>۱۰</sup> خاور در بسیاری از مقالات خود بی‌طرفی ایران را مورد حمله قرار داده و سعی می‌کند در قالب اندیشه اتحاد اسلام، دولت ایران را با عثمانی متحد کند.

«... باید دید بی‌طرفی دولت ایران ممکنست تا آخر جنگ پایدار بماند، رجال حمیتند، وطن‌دوست حکومت می‌تواند در ختام جنگ ثمرات بی‌طرفی خود امیدوار و ایمن باشند... در این موقع که فرصت گرانبها بدست افتاده و لفظ اتحاد را که ممکن نبود پیش ازین جنگ کسی به زبان بیاورد، در این وقت که عموم مسلمانان دم از وجوب اتحاد و اتفاق زده و روزنامه‌های اسلامی عموماً طرفدار حتمی بودن این مطلب گشته و ستونها پر کرده و می‌کنند، دولت ایران چگونه می‌تواند از این فرصت ثمین که هزار سال یک دفعه ملل اسلام را نصیب شده استفاده نکند؟...»<sup>۱۱</sup>

و یا در جای دیگر می‌نویسد:

«اما دولت ایران چه کرد؟ از بیطرفی - جز از بیطرفی چه حاصل برداشت با وجود خمود و سکون، خاک ایران جولانگاه سم ستوران مخاطبین و معرض هجوم روس و انگلیس گردید. نه دولت روس لشکر خود را از وطن ما بیرون برد و نه انگلیسان به بیطرفی ما رعایتی نمودند... زمامداران ما از بی‌خونی رجال خودمان در خارجه طوری سرافکنده‌ایم که نمی‌توانیم خود را ایرانی بخوانیم، زیرا معنی این لفظ جز از شرمساری، سستی و تنبلی، بی‌خونی، و خودخواهی، چیر دیگری نیست...»<sup>۱۴</sup>

خاور در پی انتشار اندیشه اتحاد اسلام، برای تهییج مردم به نشر فتاوی مراجع عتبات نیز اقدام کرد تا از این طریق بتواند مسلمانان را بر علیه متفقین، با هم متحد کند. خاور در شماره ۱۹ سال اول خود، متن ۲۴ فتوا از مراجع و علمای بزرگ اسلام مبنی بر وجوب جهاد را انتشار داد<sup>۱۵</sup> و در شماره بعدی تأثیر آنرا بر مردم ایران چنین نوشت:

«بعد از رسیدن بیاننامه و فتواهای جهاد از طرف آقایان مجتهدین عظام و علمای گرام عتبات و آگاه شدن ایرانیان از مضمون و مندرجاتشان در سایر ولایات همدان، قزوین، سلطان‌آباد، بروجرد خون حمیت مردم بجوش آمده، رگ انتظامشان برخاسته، همگی حاضر جنگ گشته... هیجان و غلبان و آرزوی انتقام در میان خلق چندان قوت گرفته که حکومت از بازداشتن آن جریان عاجز مانده است...»<sup>۱۶</sup>

خاور اشعاری ادبی از شاعران هم‌مسلك خود را نیز به چاپ می‌رسانید از آن جمله اشعار میرزا جعفر دیلمقانی با عناوینی مثل جنگ عمومی<sup>۱۷</sup>، وطنیه<sup>۱۸</sup>، امید و<sup>۱۹</sup>... و شعرهای ابراهیم پور داود با امضای «گل» تحت عناوین رستخیز<sup>۲۰</sup>، کیفر<sup>۲۱</sup>، درویش شورش<sup>۲۲</sup>، بهار رستگاری<sup>۲۳</sup> و ... را می‌توان نام برد. خاور برای روزنامه‌های هم‌مسلك خود که از طرف کمیته مأموریت انتشار داشتند تبلیغ می‌کرد و از این طریق به آنان یاری می‌رساند.<sup>۲۴</sup>

خاور روزنامه‌های کاملاً سیاسی بود و تمامی مقالات آن حاوی مطالبی به طرفداری از متحدین بود. از سوی دیگر با غور و تفحص در مقالات آن درمی‌یابیم که یکی از مهمترین اهداف روزنامه خاور، تهییج مردم ایران برای پیوستن به عثمانی است و این هدف را از طریق تحریک احساسات ملی - مذهبی مردم ایران تحت عنوان اتحاد اسلام دنبال می‌کرد بطوریکه اگر نگوئیم همه مقالات، حداقل ۸۰٪ مقالات آن در مورد اتحاد اسلام و همبستگی برای رهایی از ظلم و ستم متفقین بوده است، و نیز تصاویر مستندی از جنگ جهانی اول.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱ - تقی‌زاده؛ حسن، زندگی طوفانی به کوشش: ایرج افشار، تهران: علمی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۱۸۵.
- ۲ - بهنام؛ جمشید، برلنی‌ها (اندیشمندان ایرانی در برلن) تهران: فرزانه‌روز، چاپ اول ۱۳۷۹، ص ۲۸.
- ۳ - جمالزاده، محمدعلی، یادنامه تقی‌زاده، به کوشش: حبیب یغمایی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹، ص ۲۲.
- ۴ - گرکه، اولریخ، پیش به سوی شرق، ایران در سیاست شرق آلمان در جنگ جهانی اول، تهران: کتاب سیامک، چاپ اول ۱۳۷۷، جلد اول، ص ۲۲۰.
- ۵ - همانجا؛ جلد دوم، ص ۶۵۷، پاورقی ۱۷۰.
- ۶ - همان‌جا.
- ۷ - همان‌جا.
- ۸ - خاور؛ سال اول، شماره ۱۰، ۳۰ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ق، صص ۴-۵.
- ۹ - صدر هاشمی؛ محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۲، جلد دوم، ص ۲۴۲.
- ۱۰ - خاور؛ س اول، ش ۱۰، ۳۰ ذی‌حجه ۱۳۳۲ق، ص ۳.
- ۱۱ - خاور؛ س اول، ش ۲۳، سوم ربیع‌الآخر ۱۳۳۳ق، صص ۱-۲.
- ۱۲ - خاور، سال دوم، شماره ۲۲، هفتم ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق، صص ۴ - ۵.
- ۱۳ - خاور؛ سال اول، شماره ۱۹، ۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق، ۱ - ۳.
- ۱۴ - خاور؛ س اول، ش ۲۰، ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق، ص ۳.
- ۱۵ - خاور؛ س اول، ش ۲۶، ۲۵ ربیع‌الآخر ۱۳۳۳ق، ص ۴.
- ۱۶ - خاور؛ س اول، ش ۲۷، ۲ جمادى‌الاول ۱۳۳۳ق، ص ۵.
- ۱۷ - خاور؛ س اول، ش ۳۲، ۷ جمادى‌الآخر ۱۳۳۳ق، ص ۳.
- ۱۸ - خاور؛ س اول، ش ۲۸، ۹ جمادى‌الاول ۱۳۳۳ق، ص ۳.
- ۱۹ - خاور؛ س اول، ش ۳۱ و ۳۰، ۳۰ جمادى‌الاول ۱۳۳۳ق، ص ۵.
- ۲۰ - خاور؛ س اول، ش ۳۳، ۱۴ جمادى‌الآخر ۱۳۳۳ق، ص ۶.
- ۲۱ - خاور؛ س اول، ش ۳۶، ۵ رجب ۱۳۳۳ق، ص ۴.
- ۲۲ - بطور مثال هنگامیکه هیئت بغداد اقدام به انتشار روزنامه رستخیز کرد. خاور در شماره ۴، سال دوم مورخ ۲۹ شوال ۱۳۳۳ق شرحی از محسنات این روزنامه نوشت و مردم را به خواندن آن تشویق کرد.